

وظایف والدین در تربیت جنسی نوجوانان از منظر اسلام

فاطمه شمسی^۱

چکیده:

غریزه جنسی، همانند دیگر ابعاد انسان نیازمند تربیت است. از دیدگاه اسلام تربیت جنسی یعنی فراهم سازی زمینه های رشد و پرورش غریزه جنسی به گونه ای که هم عفت جنسی حاصل شود و هم سلامت جنسی. در دیدگاه دین تربیت جنسی پیش از دوران بلوغ جنسی و تقریباً از آغاز تولد شروع می شود. تربیت جنسی کودک یکی از مهم ترین و حساس ترین حوزه های تربیت است؛ زیرا نقشی مهم در آینده و سعادت و شقاوت کودک دارد. سفارش های اسلام برای تربیت جنسی کودک به سه دوره مهم زندگی او مرتبط است: الف. بعد از تولد و پیش از ممیز شدن. ب. پس از ممیز شدن کودک و قبل از رسیدن سن بلوغ. ج. دوران بلوغ و پس از آن. ادله متعدد قرآنی و روایی بیان می کند که بر والدین واجب است که تدابیر آموزشی و پرورشی را به نحوی سامان دهند تا فرزندان پس از تکلیف به احکام دینی ملتزم باشند و با مخالفت احکام شرعی دچار عقوبت اخروی نشوند. شیوه آموزش در خانواده به دو طریق مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می شود. خانواده که به تعبیری، فراتر از محدوده پدر و مادر و خواهر و برادر است، می تواند در انتقال و شناسایی هویت جنسی به فرزندان مؤثر باشد. شیوه مستقیم یعنی آموزش نحوه معاشرت و تعامل صحیح در فامیل به صورت تذکر به فرزندان، برای حفظ محدوده روابط با جنس مخالف در فامیل و سپس هدایت دختران در جمع زنان و دختران فامیل و هدایت پسران در کنار مردان و پسران فامیل صورت پذیرد. در شیوه غیر مستقیم یعنی جدا کردن اتاق پسران از دختران در اسلام توصیه شده است. بنابراین والدین و مربی از روش های مستقیم و غیر مستقیم برای تربیت جنسی فرزندان و متربیان استفاده کنند.

کلید واژه: آموزش.. تربیت. تربیت اسلامی. تربیت جنسی. وظیفه والدین

^۱ طلبه سطح دو حوزه علمیه بردسیر

مقدمه:

غریزه جنسی، همانند دیگر ابعاد انسان نیازمند تربیت است و هر فرهنگ و ایده ای، نوع خاصی از تربیت را در پیش می‌گیرد. از دیدگاه اسلام تربیت جنسی یعنی فراهم سازی زمینه های رشد و پرورش غریزه جنسی به گونه ای که هم عفت جنسی حاصل شود و هم سلامت جنسی. در دیدگاه دین تربیت جنسی پیش از دوران بلوغ جنسی و تقریباً از آغاز تولد شروع می‌شود. بر همین اساس تامین این اهداف در هر دوره سنی نیازمند اقدامات و تدبیر های خاصی است که در متون دینی به آنها پرداخته شده است. موضوع تربیت جنسی کودکان از دغدغه های اصلی و مهم والدین و مربیان است. در موارد بسیاری مشاهده شده که رفتار غلط مربیان و والدین در این زمینه، تبعات جبران ناپذیری را بر روح و ذهن کودکان باقی گذاشته است به گونه ای که آثار آن در سنین بزرگسالی هم وجود داشته است. مهم ترین وظیفه پدر و مادر آن است که با تربیت صحیح و مراقبت از فرزندان خویش، آنها را در مسیر فطرت الهی نگه دارند. امام سجاد علیه السلام در بیانی شیوا، تربیت فرزندان را مسئولیتی اجتناب ناپذیر برمی شمارد و می فرماید: حق فرزند بر تو آن است که بدانی نیک و بد او در این جهان به تو بستگی دارد و تو به تربیت نیکو و هدایت او به سوی خدا و یاری او بر طاعت الهی مسئول هستی!

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره تباه ساختن حقوق و حدود خانواده می فرماید: «ملعون ملعون من ضیع من یعول» ملعون است، ملعون است! هر که خانواده اش را ضایع سازد. خداوند می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً» ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده تان را از آتش بر حذر دارید.

اهمیت تربیت فرزندان آنچنان مهم است که حتی اگر کسی از تربیت خویش عاجز باشد، باز هم مکلف به تربیت خانواده اش است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: هنگامی که این آیه نازل شد: «ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده تان را از آتش بر حذر دارید.» مردی از مسلمانان گریست و گفت: من از خودم عاجز هستم، چگونه درباره خانواده ام

^۱ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۷۶-۷۵

^۲ کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۲

^۳ سوره تحریم، آیه ۶

مكلف هستم؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برای تو کافی است که آنها را به آنچه که به آن امر شده ای، توصیه کنی و از آنچه نهی شده ای، برحذر داری. بنابراین، تربیت نیکوی فرزندان برای به دست آوردن مکارم اخلاقی، از وظایف بسیار مهم پدران و مادران است.

الف- مفهوم شناسی

۱- تربیت در لغت

معنی تربیت در لغت: تربیت در زبان فارسی به معانی پروردن، آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن به کار رفته است. از کتاب های لغت اصیل و معتبر، استفاده می شود که واژه «تربیت» با دو ماده لغوی «ربو» و «ربب» مرتبط است. ریشه ربب به معانی گوناگونی مانند: حضانت (در دامن خود پروردن) حفظ و مراعات و سرپرستی^۱ اصلاح و بر عهده گرفتن کاری^۲ و همراهی با آن و ایجاد چیزی و به تدریج^۳ تکامل بخشیدن آن به کار رفته است. ریشه رب و درمعانی ای مانند: زیادت، رشد و نمو و علو به کار رفته است.^۴

کلمه تربیت مصدر باب تفعیل است که به دلیل معتل و ناقص بودن ریشه لغوی آن، مصدرش همانند «تزکیه» بر وزن «تفعله» آمده است. نویسندگان عرب زبان کتاب النظام التربوی فی الاسلام^۵ با استناد به برخی کتاب های لغوی معتبر، تصریح کرده است: تربیت در لغت، از ماده «ربب» است با مراجعه اجمالی به کلمات لغویان آشکار^۶ می گردد که واژه «تربیت» دارای دو ریشه لغوی «ربو» و «ربب» است. دو دیدگاه مهم را به طور اختصار بیان می کنیم:

^۱ طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ج ۱، ص ۳۶۵

^۲ دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۴، ص ۵۷۷

^۳ فر اهیدی، العین، ج ۸، ص ۲۵۷.

^۴ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۴۰۱.

^۵ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۸۲.

^۶ همان، ج ۲، ص ۴۸۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۰۴.

^۷ ربی ربی تربیه مانند ذریک ذریک یزیک ذریک.

^۸ ازهری، تهذیب اللغة ص ۴۱.

دیدگاه اول: راغب در مفردات می نویسد: (الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ التَّربِيَةُ... رَبِّيْتُ الْوَلَدَ مِنْ هَذَا (ربو)، قيل: أصله من المضاعف فقلب تخفيفاً) ظاهر کلام راغب استفاده می شود «تربیت» از ربو مشتق شده است، نه از «رب» مضاعف بنابراین، از نظر ایشان «ربو» آریسه اصلی و اوّلی واژه تربیت است.

دیدگاه دوم: ابن منظور در لسان العرب می نویسد: {تَرْبِيَةُ وَارْتَبَّةٌ وَرَبَاهُ تَرْبِيَةٌ عَلَى تَحْوِيلِ التَّضْعِيفِ وَتَرْبَاهُ عَلَى تَحْوِيلِ التَّضْعِيفِ أَيْضاً}

زبیدی در تاج العروس نقل کرده است: {رَبُّ الْوَلَدِ وَالصَّبِيِّ يَرْبُهُ رَبَاهُ... كَرَّبَهُ تَرْبِيًا... وَرَبَاهُ تَرْبِيَةٌ عَلَى تَحْوِيلِ التَّضْعِيفِ} از کلام ابن منظور و زبیدی که گفته اند «رَبَاهُ تَرْبِيَةٌ عَلَى تَحْوِيلِ التَّضْعِيفِ» استفاده می شود «رَبِّي» در اصل «رَبَّب» و مضاعف بوده که به دلیل ایجاد سهولت در تلفظ و تخفیف حرف باء دوم تحویل و تبدیل به حرف عله یاء شده و در نهایت، مصدر آن به دلیل معتل بودن فعل «رَبِّي» بر وزن تفعّله آمده است. (رَبَّبَ رَبِّي يَرْبِي تَرْبِيَةً)

به نظر می رسد از دو دیدگاه مذکور، دیدگاه دوم صحیح و قابل دفاع علمی است؛ زیرا تبدیل یکی از حروف کلمه مضاعف به حرف عله در علم صرف براساس قاعده وقانون است و ازاین رو، در زبان عربی دارای شواهد متعددی است. قاعده صرفی بر صحت دیدگاه دوم هستند که «ربب» ریشه اصلی و اوّلی «تربیت» و «ربو» ریشه فرعی و ثانوی آن است. به نظر می رسد افرادی که «ربو» را به عنوان ریشه واژه تربیت ذکر می کنند، ریشه فرعی و ثانوی آن را ملاک قرار می دهند، ولی افرادی که «ربب» را به عنوان ریشه «تربیت» ذکر کرده اند، ریشه اصلی و اوّلی آن قبل از حدوث تغییرات در آن را مورد توجه قرار داده اند.

۲- تربیت در اصطلاح

افلاطون (۴۲۷-۳۴۶ ق.م) در تعریف تربیت گفته است: تعلیم و تربیت عبارت است از کشف استعدادهای طبیعی و شکوفا ساختن آنها.^۵

^۱ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۲۱۳

^۲ طباطبایی صرف ساده، ص ۲۰.

^۳ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۴۰۲

^۴ الزبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۲، ص ۴۳۶.

^۵ کاردران، فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۱۷۳-۱۷۶.

ارسطو(۳۸۴-۳۲۲ ق.م) نیز تربیت را مجموعه ای از اعمالی دانسته است که به وسیله خانواده یا دولت برای ایجاد فضایل اخلاقی و مدنی در افراد صورت می پذیرد دانسته است.^۱

فارابی (۳۳۹-۲۶۰ ه.ق) در تعریف تربیت بیان داشته است که : تعلیم و تربیت عبارت است از هدایت فرد به وسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت.^۲

ابن سینا(۳۷۳ یا ۳۶۳ - ۴۲۸ ه.ق) در تعریف تربیت گفته است : تعلیم و تربیت عبارت است از برنامه ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک ، سلامت خانواده و تدبیر شئون اجتماعی برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی.^۳

شهید مطهری: در تعریف تربیت اینگونه بیان می کند : تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پرورش دادن. و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیرجاندار به کار ببریم به طور کنایه به کار برده ایم، نه اینکه به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده ایم.^۴

تربیت عبارت است از عملی که قوای جسمانی و روانی و عقلی انسان را شکوفا ساخته تا آن قوا با نظام و سازمان ویژه ای با استمداد از درون و متبری و به مدد کوشش های او به میزان توانایی و استعدادهای خود رشد و پیشرفت نمایند.^۵

ج) تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود؛ تربیت عبارتست از فرآیند اثرگذاری و اثرپذیری که میان مربی و متربی به منظور ایجاد صفتی یا تغییر و اصلاح در شخصیت متربی برقرار می شود.^۶

^۱ همان، ص ۱۷۸-۱۷۳. (انی تعریفی به گونه یا غایت ادم رانده است).

^۲ همان، ص ۳۸۴.

^۳ همان، ص ۴۱-۳۷۴.

^۴ مرتضی مطهری، مجموعه آثار ص ۸۹

^۵ بارق، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۰.

^۶ مصطفی دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، ص ۲۴.

^۷ گروه علوم تربیتی موسسه آموزشی و پژوهشی؛ امام خمینی، مجموعه مقالات تربیتی، قم، موسسه امام خمینی، ۱۳۸۸، اول، ص ۵۷.

لخت شدن در برابر کودکان، از دو جهت، تأثیر نامطلوبی بر آنها دارد: از یک طرف، حیای آنها را از بین می برد و از طرف دیگر باعث تحریک جنسی کودکان می شود. این مسئله، در مورد لخت کردن کودکان و دیدن عورت آنها نیز مطرح است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: {بئس البيت الحمام يهتك الستر و يبدى العورة و نعم البيت الحمام يذكر حر النار و من الآداب أن لا يدخل الرجل ولده معه الحمام فينظر إلى عورته}

بدترین جای خانه حمام است؛ چرا که باعث پرده دری و آشکار شدن عورت است. و از طرف دیگر، حمام جای خوبی است؛ چرا که آتش جهنم را به یاد انسان می آورد و ادب حکم می کند که مرد، پسرش را با خود حمام نبرد تا چشم فرزندش به عورت پدر نیفتد. در این حدیث، امام صادق علیه السلام یک روش دیگری برای پیشگیری از تحریک کودکان را بیان می کنند که آن، خود داری از بردن فرزندان با خود به حمام و لخت شدن در برابر آنهاست.

امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: {لا يدخل الرجل مع ابنه الحمام فينظر إلى عورته، و قال: ليس للوالدين أن ينظرا إلى عورة الولد، وليس للولد أن ينظر إلى عورة الوالد.}

مرد نباید پسرش را با خود به حمام ببرد تا به عورت او نگاه کند، و فرمود: والدین، حق ندارند به عورت فرزندشان نگاه کنند و فرزندان، حق ندارند به عورت والدین خود نگاه کنند.

همچنین پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم در این زمینه فرمود: {رُفِعَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي صَغَرَى وَعَلَى خُرْقَةٍ وَقَدْ كُشِفَتْ عَوْرَتِي، فَقَالَ: غَطُّوا حُرْمَةَ عَوْرَتِهِ فَإِنَّ حُرْمَةَ عَوْرَةِ الصَّغِيرِ كَحُرْمَةِ عَوْرَةِ الْكَبِيرِ، وَلَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى كَاشِفِ عَوْرَةٍ..} در خردسالی ام مرا خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم بردند. پاره لباسی بر تنم بود و عورتم آشکار شد. ایشان فرمود: حریم عورتش را بپوشانید که حرمت عورت کودک، همانند حرمت عورت بزرگ سال است و خداوند، به آشکار کننده عورت نگاه نمی کند.

^۱ شیخ صدوق، من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۵؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۷.
^۲ کلینی، کافی، ج ۶، ص ۵۰۳؛ شیخ صدوق، من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۵؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۵۶.

^۳ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۵۷، المتقی، کنز العلم، ج ۷، ص ۳۲۰

الإمام الباقر عليه السلام: { كَانَ عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَضَرَ وَلَادَةُ الْمَرْأَةِ قَالَ : أخرجوا من فِي النَّيْتِ مِنَ النِّسَاءِ ؛ لَا تَكُونُ الْمَرْأَةُ أَوَّلَ نَاطِرٍ إِلَى عَوْرَتِهِ }^۱ امام باقر عليه السلام می فرماید: امام زین العابدین علیه السلام همواره وقتی هنگام زایمان زن فرا می رسید ، می فرمود: زنانی را که در اتاق هستند ، بیرون کنید تا نخستین نگاه زنان ، نگاه به عورت نباشد.^۲

۷- نحوه لباس پوشاندن

حضرت علی علیه السلام می فرماید: روزی در بقیع با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودم. زنی سوار بر مرکب از آنجا می گذشت که ناگهان از روی مرکب به زمین افتاد. حضرت رسول، روی خود را به جانبی دیگر گرداند. به آن حضرت گفتند: آن زن شلوار به پا دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار فرمودند: خدایا، عفو و بخشش خود را شامل حال زنانی قرار ده که شلوار به پا می کنند. ای مردم شلوار برای پوشش، بهترین لباس است. زنانان، هنگام خروج از منزل، خود را با شلوار حفظ کنند.^۳

به علت خصوصیت های جسمانی، تفاوت نوع پوشاندن لباس های مناسب با جنسیت دختر به دختران و لباس های مناسب پسر به پسران؛ برای پیدا شدن هویت صحیح جنس در میان دختران و پسران، بسیار پر اهمیت است. تأثیر والدین و خانواده در پذیرش نقش جنسی از طرف فرزندان در درجه اول اهمیت قرار دارد؛ زیرا والدین به آنها یاد می دهند که چگونه باشند و چه ویژگی هایی را به عنوان دختر یا پسر بودن حفظ کنند. بنابراین، باید از پوشاندن لباس دختران به پسران و از پوشش های پسرانه برای دختران پرهیز کرد. عادت دادن دختران به پوشیدن چادر و روسری، کمک مؤثری برای رسیدن به این هدف می کند.

^۱ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقهی: ج ۳، ص ۵۶۰، کلینی، الکافی: ج ۶، ص ۱۷، ح ۱، طوسی، تهذیب الأحکام: ج ۷، ص ۴۳۶؛

^۲ فیضی کاشانی، الوافی: ج ۲۳، ص ۱۳۱ (یعنی اولین کسی که به او نگاه می کند و نگاهی به عورت کودک می افتد، زن نباشد؛ چرا که آنان، نخست به عورت نگاه می کنند تا بدانند پسر است یا دختر؛ بلکه شایسته است اولین بار، نگاه مرد به نوزاد بیفتد و به غیر عورت او نگاه کند).

^۳ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۵۶

نتیجه گیری

تربیت جنسی، فرایند کمک و یاری رسانی به مرتبی، در دوره‌های کودکی، نوجوانی و جوانی؛ از سوی مرتبی، به منظور جهت‌گیری مناسب جنسی و جلوگیری از انحرافات جنسی از سوی دیگر می‌باشد.

اولیای مرتبی را طوری تربیت میکنند که در دوران بلوغ مرتکب گناه جنسی نشود و از نابهنجاریهای شهوی او پیشگیری نمایند. برخی از روشهای تربیت جنسی عام بوده و برخی در فضای خانواده می‌باشند. با توجه به اینکه غریزه جنسی فعال است و زمینه انحراف در آن وجود دارد، بیشتر روشهای تربیت جنسی بازدارنده می‌باشند و به جنبه پیشگیری از انحرافات جنسی نظر دارند. این امر در حالی است که در تربیت در عرصه‌های غیرغریزی چنین نیست و جنبه‌های اثباتی غالبی دارند.

با توجه به اهمیت بیشتر به روشهای پیشگیرانه در ساحت تربیت جنسی، به نظر میرسد که بتوان به رجحان کلیه روشهایی که در پیشگیری از انحرافات جنسی فرزندان نقش دارد، نظر داد؛ هر چند آن روش به صورت مصرّح در ادله اسلامی نیامده باشد.

در مجموع، روشهای تربیت جنسی به استفاده مشروع از غریزه جنسی مرتبی و پیشگیری از گناهان جنسی ناظر هستند و به قرارگرفتن مطلوب این غریزه و تربیت بهینه آن تأکید دارند. سفارش‌های اسلام برای تربیت جنسی کودک به سه دوره مهم زندگی او مرتبط است:

الف. بعد از تولد و پیش از ممیز شدن.

ب. پس از ممیز شدن کودک و قبل از رسیدن سن بلوغ.

ج. دوران بلوغ و پس از آن.

ادله متعدد قرآنی و روایی بیان می‌کند که بر والدین واجب است که تدابیر آموزشی و پرورشی را به نحوی سامان دهند تا فرزندان پس از تکلیف به احکام دینی ملتزم باشند و با مخالفت احکام شرعی دچار عقوبت اخروی نشوند. بنابرین تربیت جنسی فرزندان و قرار دادن غریزه جنسی در مسیر صحیح کنترل و ارضا بر والدین، واجب است. هر چند فرزندان پیش از بلوغ تکلیفی در مسائل جنسی ندارند اما برای تثبیت و نهادینه کردن ارزش اسلام در مسائل جنسی، والدین باید اقدامات مراقبتی و تربیتی خود را پیش از بلوغ ترتیب دهند.

منابع:

*قرآن

- ۲- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الخصال، محقق، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
- ۳- _____، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید، علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۳.
- ۴- ابن فارس بن زکریا ابوالحسین، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاغلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
- ۶- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، تهران: انتشارات صادق، ۱۳۸۲.
- ۷- اعرافی، علیرضا، موسوی، سید نقی، تربیت فرزند با رویکرد فقهی، موسسه اشراق و عرفان ۱۳۹۵.
- ۸- الزبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: الدار مکتبه الحیاه، ۱۴۱۴.
- ۹- المتقی، علی ابن حسام الدین، کنز العلما، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۴.
- ۱۰- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات بوستان، ۱۳۶۸.
- ۱۱- بارق، سید محمد، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
- ۱۲- بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، لبنان بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴.
- ۱۳- پورامینی، محمد باقر، تربیت جنسی در سیره نبوی، قم: گروه پژوهش تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۸۳.
- ۱۴- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت لبنان: دارالمعرفه للطباعه والنشر، ۱۴۱۸.
- ۱۵- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: انتشارات آل البيت، ۱۴۱۴.
- ۱۵- حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، قم: مطبعه العلمیه، ۱۳۸۳.
- ۱۶- دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۹۳.
- ۱۷- دهخدا، فرهنگ دهخدا، ناشر: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، مصحح: داوودی، صفوان عدنان، بیروت- دمشق: دار القلم- الدار الشامیه، ۱۴۱۲.
- ۱۹- رستمی، مهتاب، بررسی دیدگاه دانشجویان درباره چگونگی افزایش آگاهی جنسی جوانان دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه، مجموعه مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.

- ۲۰- رمانی، عبدالله بن عیسی، ثلاث رسائل فی نظریة الجنس، قاهره مصر: دارالمعارف، ۱۳۸۷
- سیوطی، عبدالرحمن بین ابی بکر، الدر المنثور، بغدادعراق: مکتب الجعفری، ۱۳۷۷.
- ۲۱- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳.
- ۲۲- شیویاری، فرهاد، صفریانی، آرزو، تربیت جنسی کودک و نوجوان، تهران: انتشارات اذر فر، ۱۳۹۶
- ۲۳- ضرابی، عبدالرضا، مجموعه مقالات تربیتی: تربیت دینی، اخلاقی و عاطفی، قم: موسسه امام خمینی، ۱۳۸۸.
- ۲۴- طباطبایی، سید محمد رضا، صرف ساده (بضمیمه صرف مقدماتی)، قم: انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۸
- ۲۵- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، تهران: انتشارات حبیب، ۱۳۸۶.
- ۲۶- _____، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵.
- ۲۷- طوسی، ابو محمد جعفر بن حسن، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۴
- ۲۸- _____، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۲۹- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین (محقق، مهدی مخزومی. ابراهیم سامرای)، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹.
- ۳۰- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، الوافی، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۳۶۵ ش.
- ۳۱- کاردان، علی محمد، پ، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
- ۳۲- کوفی، اشعث بن محمد، الجعفریات، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا
- ۳۳- کلینی، محمد، کافی، ناشر: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۲۱ ق.
- ۳۴- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۱۵.
- ۳۵- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ناشر: صدرا، ۱۳۹۳.
- ۳۶- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم: انتشارات دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۳۷- موحدی النکرانی، محمد فاضل، انصاری، قدرت الله، انصاری، موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، مقارنه تفصیلیه بین مذهب الامامیه و المذاهب الاخری، تهران: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۹.
- ۳۸- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: انتشارات مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۳.